

# تنگناهای تأمین «ما به التفاوت ریالی» بدهی های خارجی درسال های اخیر و تگاهی به لایحه بودجه ۷۵

## چکیده

این گزارش به توصیف وضعیت اقتصادی می پردازد که در چارچوب مقررات کشور پدید آمده بود و برای رفع بحران برخاسته از آن، تمهیداتی اندیشیده می شد، کارشناسان مرکز پژوهش ها تلاش کرده اند تا که تصویر دقیقی از این موضوع برای مسئولان اقتصادی کشور ارائه نمایند تا آنان، امکان بهتری در چاره اندیشی برای کاهش این بحران ها داشته باشد.

## صورت مسأله و سابقه

۱. متعاقب تغییر تدریجی نرخ ارز طی برنامه پنجساله اول توسعه (از معادل هر دلار ۷۰ ریال به ۱۷۵۰ ریال) یک سلسله تبعات اقتصادی و حقوقی حادث شده که طی دو سه ساله اخیر برای ختمی کردن آثار منفی آن، راه حل های مقطعی و کوتاه مدت به مرحله اجرا درآمده است ولی به دلیل جامع نبودن تصمیمات و پیچیدگی موضوع به ویژه به دلیل عدم هماهنگی کامل در سیاستگذاری و اجراء معضل همچنان باقی است.
۲. از ابتدای سال ۱۳۷۲ نظام تک نرخ ارز اعلام شد و در آغاز کار برای کلیه تمهیدات جدید به استثنای مواردی که در بند الف تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ آمده بود (دفاع، کالاهای اساسی، دانشجویان بورسیه، دارو...) نرخ ارز برای هر دلار ۱۵۰۰ ریال اعلام و طی سال در چند مرحله افزایش یافته، عاقبت در دی ماه ۱۳۷۲ با نرخ هر دلار ۱۷۵۰ ریال تثبیت شد.

۱. این مقاله گزارشی است که در «دفتر مطالعات برنامه و بودجه» در آذرماه ۱۳۷۲ تهیه و با شماره ۱۶۰۱۰۶۹ در مرکز پژوهش ها منتشر گردیده است.

طبق بند الف. تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۲، از مجموع ۱۷/۸ میلیارد دلار بودجه ارزی سال مذکور بایستی ۷/۵ میلیارد دلار با نرخ ۷۰ ریالی و ۱۰/۳ میلیارد دلار با نرخ شناور روز اختصاص می‌یافت ولی برای تعهدات ارزی قبل از سال ۱۳۷۲ که با نرخ‌های ۷۰ ریالی ایجاد شده بودند ولی در سال ۱۳۷۲ سررسید می‌شدند و لاجرم پرداخت‌های آن‌ها باید با نرخ شناور انجام می‌شد، مابه‌التفاوتی پیش‌بینی نشده بود.

۳. هیأت دولت برای تنظیم گردش وجوه ریالی به موجب مصوبه شماره ۱۱۹۸/ت ۸ ه پ مورخ ۷۲/۱/۲۵ مقرر کرد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ارز حاصل از فروش هر محموله نفت خام یا فراورده‌های نفتی را در موقع وصول ارز مربوط به نسبت ۵۸ درصد به نرخ شناور و ۴۲ درصد با نرخ ۷۰ ریالی به ریال تبدیل نموده و وجوه حاصل را به حساب‌های خزانه واریز نماید. در این مصوبه، مقرر گردید مابه‌التفاوت نرخ ۷۰ ریالی تا شناور مربوط به ۴۲ درصد در حسابی به نام «حساب ذخیره تعهدات ارزی» واریز شود تا صرف پرداخت مابه‌التفاوت ریالی تعهدات ارزی ایجاد شده به موجب بند الف تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۷۲ (دفاع، کالاهای اساسی ...) گردد. همچنین این مصوبه مقرر کرد مابه‌التفاوت ریالی تعهدات ایجاد شده قبل از سال ۱۳۷۲ با نرخ ۷۰ ریال که در سال ۱۳۷۲ سررسید می‌شوند به این حساب منظور گردد که طبعاً به بدهکار شدن حساب می‌انجامد زیرا منبئی برای تأمین آن پیش‌بینی نشده بود (کسر بودجه).

۴. مصوبه مذکور به موجب مصوبه شماره ۵۶۵۹۶/ت ۲۹۸ ه پ مورخ ۷۲/۱۰/۲۸ مورد تجدید نظر قرار گرفت و ۵۸ درصد و ۴۲ درصد فوق‌الذکر به ۹۰ درصد و ۱۰ درصد تغییر یافت و عاقبت هم به موجب مصوبه شماره ۵۹۶۸۹/ت ۳۵۳ ه پ مورخ ۷۲/۱۲/۱۶ مقرر گردید از تاریخ ۷۲/۱۰/۱ معادل ریالی ۱۰۰ درصد سیاهه‌های نفت با نرخ شناور به حساب خزانه واریز شود. طبیعی است که در چنین شرایطی، وجوه ریالی کافی برای پوشش معادل ریالی مورد نیاز برای تعهدات جدید و تعهدات سررسید شده قبلی نبود و در پایان سال ۱۳۷۲ «حساب ذخیره تعهدات ارزی» حدود ۶ هزار میلیارد ریال بدهکار شد.

۵. در سال ۱۳۷۳، به موجب بند «د» تبصره ۲۹ قانون بودجه، مقرر گردید ۸۵ درصد از درآمدهای نفتی با نرخ شناور و ۱۵ درصد با نرخ ۷۰ ریالی به حساب خزانه واریز و مابه‌التفاوت ریالی ۱۵ درصد به حساب ذخیره تعهدات منظور شود. این مابه‌التفاوت برای پوشش مصارف حساب ذخیره تعهدات کافی نبود لذا در پایان سال ۱۳۷۳ حساب ذخیره تعهدات به مبلغ ۶ هزار میلیارد ریال دیگر بدهکار شد و مجموعاً بدهی حساب ذخیره تعهدات را به حدود ۱۲ هزار میلیارد ریال رساند که در واقع کسری بودجه می‌باشد.

۶. در اواسط سال ۱۳۷۳ مباحث مربوط به قانون برنامه پنجساله دوم در مجلس آغاز گردید و متأسفانه درخصوص پیش‌بینی منابع کافی برای پوشش مابه‌التفاوت ریالی تعهدات ایجاد شده قبلی با نرخ شناور که منجر به افزایش بدهی حساب ذخیره تعهدات

می‌شد و در واقع نوعی کسر بودجه بود دقت کافی مبذول نگردید.  
 ۷. رأی مجلس در قانون برنامه پنجساله دوم بر این قرار گرفت که سالی ۱۶ میلیارد دلار طی ۵ سال و جمعاً ۸۰ میلیارد دلار از دیون ارزی کشور در پایان برنامه پنجساله دوم کم شود و حداکثر دیون خارجی کشور در پایان برنامه دوم از ۲۵ میلیارد دلار تجاوز ننماید. بند «س» از تبصره ۲۲ قانون برنامه دوم مقرر داشت:  
 باز پرداخت تعهدات، ایجاد تعهدات جدید در سقف بند «ج» این تبصره و یا تمدید تعهدات گذشته در چارچوب قوانین بودجه سالانه انجام خواهد شد.  
 تنظیم جریان ریالی بازپرداخت تعهدات خارجی تنها از طریق قانون بودجه سالانه انجام خواهد گرفت و استفاده از روش‌های دیگر از جمله ایجاد حساب ذخیره تعهدات برای این امر ممنوع است.

۸. حکم مذکور از دو بخش تشکیل شده است: پاراگراف اول ناظر بر تعهدات ارزی است و پاراگراف دوم حکم به نحوه تنظیم گردش وجوه ریالی دارد. کاهش ۱۶ میلیارد دلار از تعهدات در هر سال (۸۰ میلیارد طی ۵ سال) امری است حسنه و مادام که بتوان شرایطی مطلوب برای اخذ اعتبارات بین‌المللی جدید فراهم نمود، اجرای آن مطابق برنامه عملی است. ولی اجرای این حکم در بخش ریالی با توجه به تغییر نرخ ارز و یکسان نبودن معادل ریالی ۲۵ میلیارد دلار آخر دوره با معادل ریالی آن در ابتدای دوره به سادگی و بدون فراهم نمودن منابع لازم برای تأمین مابه‌التفاوت، ممکن نیست. زیرا اگر در ابتدای دوره ۲۵ میلیارد دلار بدهی داشته باشیم که چون به ازای هر دلار فقط ۷۰ ریال از مشتری گرفته‌ایم و طی دوره مجبور می‌باشیم این مبلغ بدهی را که الزاماً با دلارهای ۱۷۵۰ ریالی که از خزانه می‌خریم، پردازیم حاصل کار معادل  $25,000,000,000 \times 168 = 42,000,000,000$  ریال یعنی حدود ۴۲ هزار میلیارد ریال کسری داریم که باید برای تأمین آن منابع لازم پیش‌بینی شود، در حالی که آنچه در قانون برنامه پیش‌بینی شده برای هر سال ۱۶۰۰ میلیون دلار ۱۶۸۰ ریالی است که معادل ریالی آن طی ۵ سال بالغ بر ۱۳۴۰۰ میلیارد ریال می‌شود.

#### تصویر وضعیت سال ۱۳۷۴

۱. تنظیم گردش وجوه ریالی امری داخلی است و مانند تنظیم گردش وجوه ارزی نمی‌توان آن را با اخذ اعتبارات بین‌المللی تأمین کرد. توجه به این نکته لازم است که پرداخت تعهدات سررسید شده قبلی اهم از آن که برای ریال آن فکری بشود یا نشود یک تعهد بین‌المللی مملکت است و باید در سررسید پرداخت شود. برخلاف تعهدات جدید که روی آن می‌توان کنترل داشت، بانک مرکزی هیچ‌گونه کنترلی روی پرداخت تعهدات سررسید شده قبلی ندارد و باید آن‌ها را پردازد. واقعیت آن است که برای تأمین ریال مابه‌التفاوت نیز دو راه پیش‌تر وجود ندارد یا باید در بودجه‌های سنواتی - به میزانی که

لازم است- ردیف مربوط پیش‌بینی شود یا حسابی مانند ذخیره تعهدات ارزی بدهکار شود که به معنای کسری بودجه است.

۲. طی برآورد بانک مرکزی، ریال لازم برای پوشش تعهدات ۷۰ ریالی سررسید شده در سال ۷۴ به مبلغ تقریبی ۹۵۰۰ میلیارد ریال می‌باشد که متأسفانه فقط ۲۷۸۷ میلیارد ریال آن در بودجه عمومی و ۱۸۰۸ میلیارد ریال آن در بودجه شرکت‌ها دیده شده یا با توجه به ضرورت پرداخت این گونه تعهدات در سررسید، ناچار باید حسابی بدهکار شود که در این صورت، این کار به هر شکلی انجام شود به مفهوم کسری بودجه و استقراض دولت است.

۳. تا قبل از تصویب قانون برنامه پنج‌ساله دوم، حساب ذخیره تعهدات از این بابت بدهکار می‌شد که بدهی مستقیم دولت به بانک مرکزی بود. با تصویب قانون برنامه پنج‌ساله دوم و به ویژه بند «س» تبصره ۲۲- آن به شرحی که در فوق بیان شد - بدهکار کردن حساب ذخیره تعهدات ممنوع شد. بانک مرکزی نیز در تاریخ ۷۳/۱۲/۲۸ به کلیه بانک‌ها بخشنامه کرد که رقم ما به التفاوت را از مشتریان دریافت دارند. این بخشنامه مورد اعتراض مشتریان قرار گرفت و تعدادی از نمایندگان مجلس نیز طی نامه‌ای، خواستار ادای توضیحات در این زمینه شدند، در حالی که بانک مرکزی (به دلیل ممنوعیت استفاده از حساب ذخیره تعهدات ارزی) ناچار به اخذ ما به التفاوت از مشتریان شده است، زیرا، یا باید حساب ذخیره تعهدات مفتوح و بدهکار می‌شد، یا از مشتریان اخذ می‌گردید.

۴. تاکنون چند راه حل پیشنهاد شده که بعضاً خالی از اشکال نبوده است. مثلاً سازمان برنامه و بودجه پیشنهاد کرده بود که «وجوه حاصل از پیش دریافت اعتبارات اسنادی جدید را به خزانه بدهیم تا صرف پرداخت ما به التفاوت ریالی تعهدات سررسیده شده قبلی گردد».

۵. برای درک بهتر موضوع و تجزیه و تحلیل پیشنهاد ارائه شده، لازم است اشاره‌ای مختصر به گردش عملیات ارزی و ریالی بین خزانه، بانک مرکزی، شبکه بانکی و مشتریان صورت گیرد. یا فرض این که در سال جاری طبق قانون بودجه، بایستی وزارت نفت ۱۳/۴ میلیارد دلار بابت فروش نفت به بانک مرکزی بدهد، بانک مرکزی مکلف است به ازای هر دلار دریافتی بابت فروش نفت ۱۷۵۰ ریال به خزانه بدهد که این کار بلافاصله پس از دریافت هر سیاهه نفت انجام می‌شود و در واقع بانک مرکزی با انتقال ریال مربوط به هر سیاهه، ارز را از دولت می‌خرد. خزانه طبق قانون بودجه عمومی، معادل ریالی ۱۶۴۱ میلیون دلار و طبق قانون بودجه شرکت‌ها معادل ۱۰۷۶ میلیون دلار آن را با نرخ (۱۶۸۰=۷۰-۱۷۵۰) در حسابی به صورت ذخیره نزد بانک مرکزی بابت پرداخت تعهدات ۷۰ ریالی ایجاد شده در سنوات گذشته واریز می‌نماید. اگر تعهدات ۷۰ ریالی بانک مرکزی و شبکه بانکی فقط ۲۷۱۷ میلیون دلار بود هیچ مشکلی ایجاد نمی‌شد زیرا قانونگذار ما به التفاوت ۷۰ ریال تا ۱۷۵۰ ریال را در

حساب ذخیره نزد بانک مرکزی ایران منظور نموده است. ولی مشکل از آنجا آغاز می شود که تعهدات ۷۰ ریالی قبلی - که در سال ۱۳۷۴ سر رسید می شوند - ۲۷۱۷ میلیون دلار نیست بلکه طبق برآورد بانک مرکزی ۵۶۰۰ میلیون دلار است.

لذا برای حدود ۲۸۸۳ میلیون دلار که هنگام ایجاد تعهد، فقط ۷۰ ریال از مشتریان وصول شده محلی برای تأمین مابه التفاوت تا نرخ ۱۷۵۰ ریال وجود ندارد. به عبارت دیگر بانک های تجاری از مشتری ۷۰ ریال گرفته ولی وقتی می خواهند برای ایفای تعهداتشان از بانک مرکزی ارز بخرند بانک مرکزی چون به ازای هر دلار ۱۷۵۰ ریال به خزانه داده، همین نرخ را از بانک تجاری طلب می کند. بانک تجاری از یک طرف ناچار به پرداخت مبالغ ارزی در سر رسید به طلبکار خارجی است و از طرف دیگر ریال لازم برای خرید این ارز از بانک مرکزی را ندارد. البته وقتی حساب ذخیره تعهدات وجود داشت بانک ها وجوه ارزی فوق را دریافت و برای تأمین مابه التفاوت ریالی حساب ذخیره تعهدات (دولت) را بدهکار می کردند.

در واقع، وقتی بدهکار شدن حساب ذخیره تعهدات، ممنوع شد کار با اشکال مواجه گردید و یا بهتر بگوییم، مشکل آشکار شد.

۶. در سال جاری که پیش بینی درآمدها ۱۳۴۰۰ میلیون دلار است به بانک مرکزی اجازه داده شده تا سقف  $11759 = 1641 - 13400$  میلیون دلار ایجاد تعهد جدید نماید. ایجاد تعهد جدید در سقف ۱۱۷۵۹ میلیون دلار مستلزم دریافت وجوهی از مشتریان به عنوان وثیقه گشایش اعتبارات جدید است. البته پذیرفتنی است که بانک به دلیل آنکه خود را در مقابل کارگزار خارجی متعهد می کند، معادل ۱۰۰ درصد وجوه ارزی را به پول ملی از مشتری دریافت و به حساب سپرده پیش دریافت از مشتریان بابت گشایش اعتبارات اسنادی تودیع نماید. در مواردی که مشتری به دلیل سابقه طولانی نزد بانک دارای اعتبار است، بانک بسته به اعتبار مشتری درصدی از کل مبلغ را بابت پیش دریافت طلب می کند ولی خود را در مقابل کل مبلغ نزد کارگزار خارجی متعهد می کند.

۷. اعتبارات پیش گفته غیر قابل برگشت بوده و بنابراین در سر رسید پرداخت، حتی اگر مشتری از پرداخت مابقی وجوه به پول ملی به بانک امتناع کند، بانک مکلف به پرداخت وجوه ارزی به کارگزار خارجی است و نمی تواند با این استدلال که معادل آن به پولی ملی را از مشتری دریافت نکرده، از پرداخت آن استنکاف کند. لذا سپرده پیش دریافت گشایش اعتبار از نقطه نظر مالکیت متعلق به مشتری است ولی چون بانک در ازای آن خود را در مقابل کارگزار خارجی متعهد کرده است، تا سر رسید پرداخت یا انقضاء سر رسید، اعتبار زیر کلید بانک به عنوان وثیقه باقی می ماند و اگر این وثیقه با هر استدلالی از بانک گرفته شود، تعهد بانک در مقابل کارگزار خارجی بدون وثیقه می ماند مگر آنکه راه حل قانونی برای مشکل ایجاد بشود.

۸. پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه خالی از اشکال نیست زیرا اولاً بانک مرکزی معادل ریالی ارزهای خریداری شده را در همان ابتدا به خزانه واریز کرده است و در واقع این سپرده‌های پیش پرداخت به مشتری تعلق دارد و با دیگر سپرده‌های مردم، به استثنای این واقعیت که مورد وثیقه قرار گرفته‌اند، فرقی ندارد. لذا هرگونه تغییر در مالکیت آن نیاز به مجوز قانونی دارد که هم تغییر مالکیت را اجازه دهد و هم به بانکی که در مقابل کارگزار خارجی متعهد است در مقابل ضبط وثیقه، تضمین و پوشش قانونی برای تاهمین ریال در سررسید پرداخت را فراهم سازد و به بانک جایگزین وثیقه را بدهد و متقابلاً سازمان برنامه و بودجه باید مکلف شود که تاهمین ریال لازم برای ایفای این گونه تعهدات در بودجه‌های سنواتی پیش بینی نموده و قانونگذار مقدم بر دیگر نیازها به صورت تخصیص شده آن را به تصویب برساند.

البته مشکلات دیگری هم از رهگذر اجرای پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه به وجود می‌آید، از جمله آنکه در صورت فقدان یک سیستم کنترلی دقیق و منظم، عواقب پیش بینی نشده‌ای به دنبال خواهد آورد. به علاوه چنانچه مشتری خواهان تقلیل و یا ابطال اعتبار و دریافت ریال تودیع شده در حساب پیش پرداخت باشد مکانیزمی تعریف و اجرا شود که بتوان پول را از خزانه دریافت و به مشتری مسترد کرد. در حالی که خزانه، وجوه را مصرف کرده و چیزی برای برگشت ندارد.

### مصوبه شورای اقتصاد و طرح استفساریه بند ۲۲ قانون برنامه

۱. در جلسه مورخ ۷۴/۶/۱۴ شورای اقتصاد، نحوه تأمین مابه‌التفاوت ناشی از تغییر نرخ ارز مورد بحث قرار گرفت و مصوبه شماره ۳۴/م/۵۸ مورخ ۷۴/۶/۱۶ به عنوان راه‌حلی برای تأمین مابه‌التفاوت‌ها ارائه شد. به موجب این پیشنهاد شورای اقتصاد (که مستلزم اخذ مجوز قانونی است) سه منبع برای تأمین مابه‌التفاوت پیش بینی شد که از جمله این منابع، بدهکار نمودن «حساب ذخیره تعهدات تا سقف سپرده پیش دریافت از مشتریان بابت گشایش اعتبارات جدید» است. به موجب این طرح، سپرده‌های مذکور بایستی از شبکه بانکی جمع‌آوری و در حسابی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسدود گردد.

۲. در مصوبه شورای اقتصاد، کالاهای سرمایه‌ای وارده جهت بخش غیر دولتی - اهم از آن که تولیداتشان مشمول قیمت تثبیتی باشد یا نباشد - موظف به پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز شده‌اند. البته کالاهای سرمایه‌ای دولتی تنها در صورتی که محصول نشان مشمول

۱. این کار را قبلاً بانک مرکزی عملاً انجام داده است. بانک‌ها در اجرای تکالیف قانونی خود مکلف هستند ۳۰ درصد از مانده انواع سپرده‌های خود را نزد بانک مرکزی تودیع نمایند. اخیراً نیز به موجب نامه شماره ش ۲۲/۴۲۵ مورخ ۷۴/۵/۱۰ شورای عالی بانک‌ها، بانک‌ها مکلف شده‌اند این ۳۰ درصد را به ۹۰ درصد افزایش دهند. به عبارت دیگر بانک‌ها مکلف شده‌اند از جمله ۹۰ درصد سپرده‌های پیش دریافت بابت گشایش اعتبارات اسنادی موجود و اعتبارات اسنادی که منبذ گشایش می‌نمایند را نزد بانک مرکزی تودیع نمایند.

قیمت گذاری قطعی نباشد، مشمول پرداخت مابه‌التفاوت می‌باشند که این انحصار به لحاظ محتوا با برنامه دوم توسعه ناسازگار است. در همان مصوبه، مواد اولیه و کالاهای مصرفی که قبل از سال ۱۳۷۴ وارد شده‌اند از پرداخت مابه‌التفاوت معاف گردیده‌اند. این معافیت برای مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه با تشخیص کمیته‌ای متشکل از وزیر اقتصاد و دارایی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و رئیس کل بانک مرکزی، تسری داده شده است. ۳. به موجب این مصوبه، شورای اقتصاد ابلاغیه ۷۳/۱۷/۲۸ بانک مرکزی به بانک‌های تجاری را ابطال اعلام و ضمناً تأیید کرده است که شبکه بانکی کشور باید طبق شرایطی که به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد، مهلت لازم برای تأدیه مابه‌التفاوت بابت کالاهای سرمایه‌ای شرکت‌ها تأمین نماید.

۴. در مصوبه شورای اقتصاد، صریحاً نامی از «حساب ذخیره تعهدات» برده نشده و مشخص نیست که بانک‌های تجاری از بابت عدم وصول مابه‌التفاوت‌های مندرج در مصوبه، بالاخره، باید کدام حساب را بدهکار نمایند، ولی مسلم آن است که در صورت عدم تأدیه مابه‌التفاوت‌ها از سه منبع پیشنهادی کسری بودجه در این شکل اتفاق خواهد افتاد. ضمناً چنین به نظر می‌رسد که مصوبه شورای اقتصاد از نظر پوشش‌های قانونی با اشکال مواجه است.

۵. چنین به نظر می‌رسد که رفع مشکل مذکور، لاجرم نیاز به مجوز قانونی دارد و این مجوز می‌تواند به صورت تفسیر بر بند ۲۲ قانون برنامه دوم نیز تأمین گردد. از آنجا که قانونگذار با حساب ذخیره تعهدات مخالفت کرده، در صورتی که با مکانیسم اجبار بانک‌های تجاری دائر بر واریز کل مبلغ وثیقه گشایش اعتبارات استادی به میزان صد در صد به حسابی در بانک مرکزی، از حذف آثار تورمی بدهکار شدن حساب ذخیره تعهدات مطمئن گردد، می‌تواند در حالت اخیر الذکر با افتتاح آن موافقت نماید که طرح استفساریه آن هم‌اکنون در کمیسیون‌های محترم مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است.

۶. پیشنهاد نهایی آن است که مجلس شورای اسلامی در قالب یک طرح دو فوریتی (استفساریه در خصوص بندس ماده ۲۲ برنامه دوم)، مشخصاً افتتاح حساب جاری بدهی مشتریان (بابت مابه‌التفاوت یا حساب ذخیره تعهدات حداکثر تا سقف کل مبلغ پیش پرداخت وثیقه) را بابت گشایش اعتبارات بلامانع اعلام نماید. با اعمال این رویه، به نظر می‌رسد که مشکل آثار تورمی حساب مذکور منتفی خواهد بود.

۷. به نظر می‌رسد که ضمن ارائه طرح مذکور لازم باشد که مصوبه شورای اقتصاد از نظر نقایص بر شمرده، رفع اشکال گردد.

#### لایحه بودجه سال ۱۳۷۵

۱. بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی، میزان کل تعهداتی که در سال ۱۳۷۵ سررسید می‌شوند و بانرخ ۷۰ ریال در سال‌های قبل گشایش اعتبار گردیده‌اند، بالغ بر ۵۱۹۰ میلیون

دلار است. بنابراین مجموع مابه‌التفاوت ریالی مورد نیاز برای تعهدات سررسید شده سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۸۷۱۹ میلیارد ریال است.

۲. بر اساس آمار بانک مرکزی در هفت ماهه اول سال ۱۳۷۴ علی‌رغم ممنوعیت استفاده از حساب ذخیره تعهدات ارزی (در قانون برنامه پنج‌ساله دوم) به دلیل عدم پیش‌بینی منابع ریالی کافی برای مابه‌التفاوت‌های ریالی بدهیهای سررسید شده بانک مرکزی ناچار از بدهکار کردن چنین حساب گردید، به طوری که تا آخر مهرماه سال جاری مبلغ ۱۳۰۰ میلیارد ریال دیگر به رقم کل مانده بدهکار حساب ذخیره تعهدات افزوده شده و جمع کل بدهکار حساب به بیش از ۱۳۳۰۰ میلیارد ریال سیده است که پیش‌بینی می‌شود در پنج ماه باقیمانده سال به مراتب مانده بدهکار این حساب بالاتر رود.

۳. بر اساس بند الف تبصره ۲۹ ماده واحده لایحه بودجه سال ۱۳۷۵، «معادل تفاوت قیمت رسمی ارز در پایان اسفند ۱۳۷۱ و نرخ شناور (۱۷۵۰ ریال) به میزان یک میلیارد و ششصد و چهل و یک میلیون (۱،۶۴۱،۰۰۰،۰۰۰) دلار ناشی از کاهش تعهدات ارزی کشور از محل اعتبار ردیف ۷۰۱۲۱۲ قسمت چهارم این قانون به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اختصاص می‌یابد»، که معادل ریالی آن تقریباً ۲۷۵۷ میلیارد ریال می‌باشد.

۴. در قسمت هشتم لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۳۷۵ نیز مبلغ ۲۹۰۰ میلیارد ریال (که معادل دلاری ۱۷۲۶ میلیون دلار می‌باشد) برای مابه‌التفاوت ریالی تعهدات خارجی شرکت‌های دولتی در نظر گرفته شده است بنابراین جمع مابه‌التفاوت ریالی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ مبلغ ۵۶۷۵ میلیارد ریال خواهد شد که در مقایسه با رقم مابه‌التفاوت ریالی مورد نظر در این سال (یعنی رقم ۸۷۱۹ میلیارد ریال) بیش از ۳۰۶۲ میلیارد ریال کسری دارد.

۵. به نظر می‌رسد که راه مناسب تأمین کسری مابه‌التفاوت‌های ریالی سال ۱۳۷۵ همان راه حل شورای اقتصاد (البته پس از مرتفع ساختن اشکالات برشمرده و تأمین پوشش قانونی آن) باشد، یعنی مبلغ کسری از طریق دریافت مابه‌التفاوت از مشتریانی که در سال‌های قبل از ۱۳۷۲ اقدام به گشایش اعتبار با نرخ ۷۰ ریالی برای ورود کالاهای سرمایه‌ای کرده‌اند و همچنین از طریق واريز پیش دریافت اعتبارات اسنادی جدید در حسابی نزد بانک مرکزی، تأمین گردد.

۶. پیشنهاد می‌شود که در تبصره ۲۹ بندی گنجانده و در آن قید شود که در صورت افزایش درآمدهای ارزی - نسبت به رقم پیش‌بینی شده در لایحه سال ۱۳۷۵ - رقم مازاد به نسبتی که نمایندگان مجلس صلاح می‌دانند به کاهش تعهدات خارجی اختصاص یابد و در بند دیگری، چگونگی اخذ رقم پیش دریافت مربوط به اعتبارات اسنادی سال ۱۳۷۵ توسط بانک مرکزی (مصوبه شورای اقتصاد) از حساب مشتریان ملحوظ گردد و سرانجام، آن بخش از اعتبارات که برای بازپرداخت مابه‌التفاوت‌های ریالی تعهدات خارجی در بودجه کل کشور پیش‌بینی شده است، تخصیص یافته تلقی گردد.